

A Phonostylistic Analysis of the Verses of Tranquility (Sakīnah) in the Noble Qur'an with Emphasis on the Views of the Qur'anic Exegetes

Javad Ranjbar¹ , Bentolhoda Ashoori²

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature department of Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Corresponding author) Email: j.ranjbar@pnu.ac.ir

2. Master's degree in Arabic language and literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Email: hoda.ashory@gmail.com

Research Article



Detailed Abstract

Research Objective: The field of modern stylistics is largely capable of analyzing the essence, effects, and characteristics of Sakīnah, which the Qur'an speaks of with great significance, based on linguistic features in the verses, and effectively revealing the style and rhetorical structure of the targeted verses. Therefore, the main objective of this research is to clarify the nature and position of Sakīnah in the verses of the Qur'an and to extract the important messages of these blessed verses through their phonological characteristics. Due to the strong connection between sentence structure and meaning, as well as thoughts, examining the sounds, words, and syntactic compositions that contribute to the style of the Verses of Sakīnah in order to reach their textual and extratextual implications and to better understand their central message through various linguistic layers is another goal of this research. Thus, because of the critical role these phonetic elements play in the transmission of meaning, the analysis of the phonetic level becomes all the more significant and necessary for the explanation and appreciation of the Divine Word.

Research Methodology: The method chosen for the stylistic analysis of the Verses of Sakīnah is based on a linguistic foundation, which has been analyzed and examined using a structuralist approach to stylistics at four levels: phonetic, lexical, syntactic, and morphological. Thus, the research methodology employed is descriptive-analytical, utilizing library resources, primary sources, and online academic and literary platforms, including the Noor Digital Library and websites hosting relevant dissertations and articles on stylistics. Therefore, in the first step, repeated readings of Qur'anic exegeses and various articles and research studies on the Verses of Sakīnah were conducted. In the next stage, the stylistic elements and components were inferred, and the prominent stylistic features of the mentioned verses were determined. Based on the desired stylistic levels, the phonological level of the stylistic sounds and the coherence of the sounds in the Verses of Sakīnah were analyzed and examined.

Received: 2023-11-04 | Received in revised form: 2024-01-01 | Accepted: 2024-01-06 | Published online: 2025-04-22

◆ How to cite: ranjbar, J. and Ashoori, B. (2025). A Phonostylistic Analysis of the Verses of Tranquility (Sakīnah) in the Noble Qur'an with Emphasis on the Views of the Qur'anic Exegetes. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(16), 164-189. doi: [10.22034/sshq.2025.187549](https://doi.org/10.22034/sshq.2025.187549)

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



Research Findings: The findings of this study indicate that among the three syllabic segments of the mentioned verses—short syllables, open medium syllables, and closed medium syllables—the short syllable has a higher frequency, which is more suited to the space of conveying messages, raising awareness, and evoking attention and emotions. Additionally, the combination of these syllables in the words and their arrangement together creates both the internal and external rhythm of the verses, resulting in a very high frequency. Due to their cohesive connection with the meaning and message of the verse, they have a significant impact on the audience. The study also reveals a significant use of ‘repetition’ within these verses, aligning with their underlying concepts and objectives. Furthermore, the divine text skillfully employs voiced and voiceless sounds to captivate the listener and convey its message with remarkable beauty and harmony. Voiced sounds are employed to express the decisiveness, firmness, and greatness of the expression, whereas voiceless letters are utilized to depict the atmosphere of peace and hope. The resulting harmony soothes the soul, leading to a sense of tranquility and heightened enthusiasm in the listener. Thus, this research demonstrates that even the most minute phonetic element in these verses contributes to the semantic richness and overall purpose of the text.

Conclusion: The research results indicate that the voiced and voiceless sounds, with the highest frequency, enhance the internal musicality and imagery effectively reflecting the intended meanings. Consequently, the use of voiced sounds is notable in contexts requiring decisiveness and firmness, whereas voiceless sounds are appropriately utilized in situations where the speech necessitates softness and flexibility. Additionally, the combination of these syllables in the words and their arrangement together creates both the internal and external rhythm of the verses. Due to their coherent connection with the meaning and concept of the verses, they have a significant impact on the audience.

Keywords: Holy Qur'an, Verses of Sakīnah, Stylistics, Phonetic Level

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سبک‌شناسی آوایی آیات سکینه در قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران

جواد رنجبر^۱ (ID)، بنت‌الهدی عاشوری^۲

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ایمیل: j.ranjbar@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ایمیل: hoda.ashory@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، اعجاز ادبی آن است که این امر موجب شده که قرآن کریم از دیرباز مورد توجه ادیبان و پژوهشگران ادبی و زبانی قرار گیرد. در همین راستا، این نوشتار با هدف تبیین جلوه‌هایی از زیبایی‌های زبانی «سکینه» در قرآن کریم به تحلیل سبک‌شناسانه «آیات مبارکه سکینه» پرداخته است. نظر به نقش مهم عناصر آوایی در انتقال پیام و معنای کلام و نیز با توجه نزول قرآن کریم به صورت شنیداری، تحلیل سطح آوایی در تبیین و بهره‌مندی از کلام الهی، اهمیت و ضرورت دوجندانی می‌یابد. لذا این جستار برآن است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از معیارهای سبک‌شناسی، چگونگی ارتباط و انسجام اصوات و آواهای سبک‌ساز در «آیات سکینه» را بررسی نموده، کارکرد آواهای مجهور و مهموس را با توجه به معانی مورد نظر تبیین نموده و بسامد هر یک از آنها را در افاده و انتقال معنا نشان دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کوچک‌ترین واحد آوایی در این آیات، عهده‌دار پیام‌های معنایی است و آوای آیات تابع معنا و متناسب با اغراض و بافتار کلام است. همچنین آوای برآمده از تکرار حروف و کلمات و آواهای مجهور و مهموس با بیشترین بسامد، نظم‌آهنگ و موسیقی آیات را تقویت نموده و معانی مورد نظر را به خوبی ترسیم نموده است. از این رو، در جایی که کلام نیازمند قاطعیت و صلابت است، حضور آواهای مجهور و در جایی که کلام نرمی و انعطاف سخن را ایجاد نموده، حضور آواهای مهموس بسامد و نمود بیشتری یافته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیات سکینه، سبک‌شناسی، سطح آوایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

♦ استناد به این مقاله: رنجبر، جواد و عاشوری، بنت‌الهدی. (۱۴۰۴). سبک‌شناسی آوایی آیات سکینه در قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۹ (شماره اول)، ۱۶۴-۱۸۹. doi: 10.22034/sshq.2025.187549

© ۲۰۲۵ نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۱. مقدمه

از جمله موضوعاتی که در حوزه ادبی، به عنوان ابزاری برای سنجش آثار ادبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تبیین و بررسی ویژگی‌ها و صفات سبکی می‌باشد. دانش سبک‌شناسی بستری فراهم می‌سازد تا پژوهشگر بتواند با تکیه بر خصایص زبانی اثر، میزان تأثیر گذاری وی بر مخاطب را تبیین نماید. بنابراین دانش سبک‌شناسی در صدد آن است که با شناسایی نحوه ترکیب حروف و الفاظ در کنار یکدیگر بار معنایی آنها را مورد کنکاش قرار دهد و از این رهگذر، ارزش هنری و میزان تأثیر آن را بر مخاطب تبیین نماید.

با علم سبک‌شناسی مشخص خواهد شد که قرآن کریم شامل سبکی منحصر به فرد است. با مدد این دانش می‌توان آیات قرآن کریم را در ترازوی سبک‌شناسی سنجید و زیبایی‌های آن را برای خواننده آشکار کرد و از این رهگذر با شیوه‌های متنوعی که خدای سبحان به منظور اثرگذاری بر خواننده یا شنونده به کار گرفته، آشنا شد.

یکی از موضوعات مهمی که در سبک‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی و تحلیل قلمروهای آوایی زبان متن، و به تعبیری دیگر سبک‌شناسی آوایی است. «سبک‌شناسی آوایی، ارزش و نحوه کاربرد آواها و تأثیرات زیبایی شناسیک و نقش عمده آنها را در سبک سخن، مطالعه و بررسی می‌کند و نتایج روشن و دقیقی در تحلیل و بررسی شعر و یا نثر ادبی و همچنین سبک ادبی صاحب اثر ارائه می‌دهد». (ر. ک. فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۲۳) از این رو یکی از شاخصه‌هایی که از نظر زبان‌شناسی یک متن ادبی اهمیت شایانی دارد، سطح آوایی و دلالت صوتی کلام است؛ زیرا «آهنگ درونی واژه‌ها و نظام آوایی آنها ساختار موسیقایی را به وجود می‌آورد که فضا را برای رشد و بالندگی واژه آماده می‌سازد». (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۷۳)

لذا یکی از بهترین راه‌های سنجش طرایف و لطایف، نظم و انسجام آیات قرآن، علم سبک‌شناسی آوایی است. دانشمندان زبان‌شناسی ارزش و کارکرد صوتی این دانش زبانی را در انتقال معنا درک کرده و به صوت برای برطرف نمودن حاجات، انتقال خواسته‌ها و رساندن اندیشه خویش به دیگران یاری جسته‌اند؛ از همین رو، از ارتباط صوت و معنا حظی وافر برده و به اعتبار آن زیبایی‌های ادبی و ویژگی‌های ساختار زبان را آشکار کرده‌اند. (بشر، ۲۰۰۰: ۱۱۹)

بنابراین نظر به اهمیت موضوع سبکینه در گفتمان قرآن کریم و از آنجا که سطح آوایی، مهمترین سطوح شناخته شده در دانش و معیارهای سبک‌شناسی است، پژوهش حاضر در صدد است به سبک‌شناسی آوایی آیات مبارکه سبکینه بپردازد و الفاظ و تعابیر آن را با هدف تبیین جلوه‌ای از کلام الهی مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. بر همین اساس سطح آوایی آیات مذکور مورد تبیین و واکاوی قرار گرفته و توجه به موسیقی و آهنگ حاکم بر این

آیات بر اساس نوع هجاهای صوتی، تکرار حروف و کلمات، و همچنین معانی برآمده از آنها با هدف کشف پیوند موسیقی و معنا در این آیات تبیین و تحلیل شده‌است.

این پژوهش مبتنی بر پاسخ به دو سؤال است:

- سبک و ساختار بیانی آیات مبارکه سکینه تا چه اندازه با مفاهیم آیات منطبق است؟
- شاخص‌ها و ویژگی‌های آوایی در آیات مذکور کدامند و تأثیر و بسامد آنها در انتقال معنی چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص سبک‌شناسی سوره‌ها و آیات قرآن کریم پژوهش‌های پرشماری به رشته تحریر درآمده است اما در مورد سبک‌شناسی آیات مبارکه سکینه تا آنجا که نویسندگان این نوشتار تحقیق و جستجو کرده‌اند تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته‌است. البته در این میان آثار معدودی در زمینه تحلیل و بررسی معنا و مفهوم واژه سکینه ارائه گردیده‌است که در آن هم بیشتر با رویکرد کلامی و تفسیری به تحلیل معنایی واژه سکینه پرداخته شده و تحلیل زبان‌شناختی و سبکی آیات سکینه مورد توجه نویسندگان محترم نبوده‌است. لذا آنچه این جستار را از یافته‌های پیشین متمایز می‌کند، تحلیل آوایی این آیات بر مبنای دانش سبک‌شناسی می‌باشد. مهمترین پژوهش‌هایی که در خصوص معناشناسی سکینه انجام گرفته‌است عبارت است از:

- مقاله «معناشناسی سکینه در قرآن کریم»؛ نوشته ابراهیم کلانتری و همکاران (۱۳۹۴) که در مجله «پژوهش‌های قرآن و حدیث»، شماره دوم، پاییز و زمستان سال ۱۳۹۴ منتشر گردیده‌است. این مقاله با روش استنادی - تحلیلی و با مراجعه به تفاسیر و نقد آرای مفسران در باب چیستی حقیقت سکینه، به این نتیجه رسیده که سکینه در آیات شش‌گانه، حقیقتی فرامادی است که تحت شرایط خاص و در موقعیت‌های ویژه‌ای بر قلب پیامبر (ص) و مؤمنان نازل می‌شود و آثار و نتایج ویژه‌ای را برای آنان در پی دارد. از این رو سکینه در آیات شش‌گانه با سکینه‌ای که از امور دیگر حاصل می‌شود تفاوت ماهوی دارد.

- مقاله «نقد و بررسی زبان‌شناختی دیدگاه گابریل ساوما درباره واژه سکینه»؛ اثر محمدعلی همتی و همکاران که در مجله «معرفت» شماره ۲۶۵ سال ۱۳۹۸ به رشته تحریر درآمده‌است. نتایج پژوهش بیانگر این است که گابریل ساوما در انتخاب معنای واژه «سکن»، گزینشی عمل کرده و به تمامی معانی آن توجه نکرده‌است؛ لذا شواهد زبان عبری و عهد عتیق بیانگر این است که ماده «سکن» در معنای آسودن و آرامش نیز به کار رفته‌است. واژه سکینه در قرآن به معنای آرامش، صحیح بوده و دلیل آن وجود معنای مشابه برای مشتقات این واژه در زبان عبری و سریانی است.

– مقاله «معناشناسی واژه "سکینه" در قرآن و متون مقدس یهودی»؛ اثر محمود مکنون و نرجس توکلی محمدی که در مجله «معرفت ادیان» شماره ۳۴ سال ۱۳۹۱ منتشر گردیده است. این مقاله، با روش تاریخی – تطبیقی، به تحلیل معنایی این واژه در منابع مرتبط، مفهوم صحیح و برابر نهاده مناسب آن می‌پردازد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که واژه «سکینه»، خاستگاه و سیاقی مشترک با کاربردهای آن در متون مقدس یهودی دارد. هرچند نمی‌توان این واژه را به قطع، وام‌واژه‌ای سریانی یا عبری دانست، اما اشتراکات فراوان معنایی و کاربردی این واژه در قرآن، روایات و متون مقدس یهودی، بیانگر بار معنایی خاص دینی آن است.

۳. مفهوم لغوی و اصطلاحی سکینه و معرفی آیات سکینه

«سکینه» بر وزن «فعلیه»، وصفی است که موصوف خود را به آرامش و ثبات و طمأنینه، متصف می‌سازد و در این راستا، دو بعد مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. (ابن منظور، ۱۹۹۴: ۲۱۳/۱۳) سکینه در لغت ریشه در ماده سکون دارد که بر عدم اضطراب و حرکت دلالت می‌کند و از آنجا که این کلمه در مورد «سکون قلب» استعمال می‌شود، به معنای عدم اضطراب روحی و عدم دلهره در عزم و اراده است. (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۸۳) لذا سکینه در اصل لغت ریشه تک معنایی دارد. یعنی به هر معنایی و در هر صیغه‌ای که استعمال شود در نهایت بازگشت به یک معنا می‌کند و آن معنا بر خلاف حرکت و اضطراب دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۴۱۴، ۸۸/۳ و راغب اصفهانی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۹۰) بنابراین قرآن کریم سکینه را به عنوان یک حقیقت قرآنی، عطای خدای سبحان و آرامشی بی‌نظیر از جانب اقدسش معرفی می‌کند که آن را به عنوان یاری مؤمن مجاهد فرو فرستاده است و طوری عنوان شده که گویا شیء بوده که وجود خارجی داشته است و خداوند آن را فرو می‌فرستد. (رازی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۰۶) بر این اساس، «سکینه» عبارت است از «حضور و تجلی شکوهمند الهی» که در شرایطی خاص شامل حال مؤمنان می‌گردد.

نگاهی به سیاق و کاربرد واژه «سکینه» در قرآن نشان می‌دهد که واژه سکینه شش بار در قرآن به کار رفته است. پنج مورد از آن به موضوع نزول سکینه در دوران پیامبر اکرم (ص) و مؤمنین خاصش می‌پردازد و یک آیه ناظر به سکینه در زمان بنی اسرائیل است. سکینه در زمان بنی اسرائیل – بر اساس آنچه در روایات آمده – لیاقت درک آن را در قلبهای خود نداشتند و لذا به واسطه صندوق عهد و به تعبیر قرآن «تابوت» به آنها عطا گردید. «هر که بر بساط دولت و دین از جام معرفت شربتی یافت ساقی آن شربت سلطان سکینه بود. و سلطان سکینه را مقرر عز دارالملک دل آمد و لطیفه دل منزلگاه صفت قدم آمد. بسا فرقا که میان دو قوم است قومی که سکینه‌ای ایشان در تابوت و تابوت در تصرف بنی اسرائیل گه اینجا و گه آنجا گه چنین و گه چنان. و قومی که سکینه‌ای ایشان در دل ایشان درید صفت حق نه

آدمی را برآن دست، نه فرشته را برآن راه. «يحول بين المرء و قلبه» سپرده‌ای است میان آدمی و دل او (حر عاملی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۴۹۴)

و اما این تابوت همان صندوقی است که به اذن خداوند وسیله نجات حضرت موسی علیه‌السلام از دست فرعونیان بوده و بعد از وفات ایشان، یادگاری‌های آن حضرت درونش قرار داده شده‌است. به هر حال بر اساس روش و مشی کلی‌گویی در قرآن کریم، به تفصیل از آن خبر نمی‌دهد و آنچه درباره آن در دست است بیشتر از اخبار و روایات نقل شده‌است. همانطور که ملاحظه می‌شود قرآن از میان آیات شش‌گانه سکینه فقط در آیه مربوط به تابوت از سکینه به عنوان اسم نکره یاد کرده با این تعبیر: «أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» این در حالی ست که واژه سکینه در آیات دیگر همه به صورت اسم معرفه آمده‌است.

این تابوت نشانه‌ای از حق بوده که برای بنی اسرائیل خاصیت طمانینه و سکینه داشته‌است. برای مجاهدین مایه نصرت برای پیامبران معجزه، و برای سلاطین کرامت بوده‌است. (خواجہ عبداللہ انصاری، بی‌تا، ج ۳: ۴۵) اما در مورد سکینه‌ای که در زمان رسول خدا (ص) نازل شده، قرآن به تفصیل بیشتری و با منزلت و عظمت خاصی سخن گفته‌است؛ چون ظهور کامل سکینه است. این سکینه در آیات قرآن مخصوص لحظات سخت و حساس عرصه جهاد در راه خدا و زمانی که مؤمنان برای نصرت دین حق در رویارویی با طاغوت زمان دچار پیچیدگی و دشواری اوضاع گردیدند به گونه‌ای است که اگر این سکینه خداوند شامل حالشان نمی‌شد، شکست در مقابل کفار به منزله خاموشی نور حق بوده‌است. لذا سکینه طبق تفاسیر با دو هدف عمده نازل گردیده‌است: الف: رشد و تعالی ایمان و قدرت و ثبات روحی مؤمنین مجاهد ب: پشتیبانی از جبهه حق و پیروزی مؤمنان.

همچنانکه ملاحظه می‌شود قرآن کریم از چستی حقیقت سکینه سخنی نگفته‌است. بسیاری از مفسران نیز فقط به بیان معنای لغوی و عرفی سکینه بسنده کرده‌اند. با این وجود، تعاریف و تفسیرهای گوناگونی از آن ارایه نموده‌اند که در این میان شاید بتوان گفت تعریف علامه طباطبایی به عنوان جامع‌ترین تعریف، منظور نظر اغلب پژوهشگران قرآنی است. علامه در تشریح دیدگاه خود، نگاه روشنی در باب چستی حقیقت سکینه بیان می‌کند و سکینه را همان روح الهی و یا آنچه مستلزم روح الهی از ناحیه «امر الله» است می‌داند. مقام یا حالتی که نزول آن از ناحیه خداوند در موقعیت‌های خاص موجب آرامش قلب و استقرار نفس و از بین برنده اضطراب است. (ر.ک طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۴۰)

این تعریف افزون بر در امان بودن از ضعف دیدگاه‌های پیشین، واجد امتیازهای متعددی نیز هست از جمله: الف. با ظواهر آیات سکینه سازگار است و موجب تأویل کلام خداوند از ظاهرش نمی‌شود و با توجه به شرایط نزول سکینه و همچنین آثار مترتب بر آن و پرهیز از مادی‌نگری در تفسیر آیات، سکینه حقیقتی فرامادی از جنس روح معرفی شده که به عنوان موهبت خاص الهی در موقعیت‌های خاص و خطیری بر قلوب پیامبران و مؤمنان

ناب نازل می‌شود و آنان را به آرامش، ثبات عقیده و مراتب بالاتری از ایمان به خداوند نایل می‌سازد. ب. بی‌گمان نازل شدن چنین حقیقتی از عوالم فرامادی بر جان انسان مؤمن مسبوق به وجود ایمان راستین به خداوند و داشتن عمل صالح و طهارت قلب است (همان، ج ۹: ۲۹۶) بنابراین کفسار و مؤمنان ضعیف‌الایمان، هرگز مشمول چنین موهبت خاصی از ناحیه خداوند قرار نمی‌گیرند؛ چنانکه مؤمنان راستین نیز تا زمانی که در موقعیت‌های خطیری قرار نگرفته‌اند، مشمول سکینه نمی‌شوند.

واژه «سکینه» شش بار و در سه سوره قرآن (بقره، توبه، فتح) و تنها در آیات مدنی متأخر به کار رفته‌است:

۳-۱. نخستین آیاتی که مفهوم سکینه در آنها ایفای نقش می‌کند، آیات پیرامون طالوت و تابوت بنی اسرائیل در سوره مبارکه بقره است: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (البقره/ ۲۴۸) ^۱ در این آیه قرآن کریم با تعبیر «سَكِينَةٌ»، به صورت نکره که به معنی جزئی از سکینه است و با قید «مِن رَّبِّكُمْ» نوع آن مشخص گردیده‌است، یعنی مقداری از سکینه که از سوی پروردگار شما می‌باشد.

در این آیه، واژه «سکینه» به پروردگار، یعنی منشأ و فاعل این موهبت، نسبت داده شده که بیانگر اهمیت ویژه و عظمت این موهبت است. همچنین برای اینکه یهود به فرماندهی طالوت اطمینان و یقین پیدا کنند، پیامبرشان به آنها گفت: صندوق مقدس بنی اسرائیل به آنها بازگردانده می‌شود، تا نشانه‌ای برای انتخاب طالوت از سوی خداوند باشد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۸۶)

۳-۲. دومین آیه مربوط به نزول سکینه الهی بر پیامبر و معدودی از مؤمنان خاص است در لحظات دشوار جنگ حنین: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (توبه/ ۲۶) ^۲

در اینجا باز هم واژه سکینه به ضمیری اضافه شده که مرجع آن، خداوند است. تعبیر انزال و انتساب و اضافه آن به خداوند، حکایت از علو مبدأ و خاستگاه آن دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۷/۱۳ و طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۹۶/۹)

با تعبیر ترکیبی «سَكِينَتُهُ» به صورت مضاف بر هاء ضمیر که مرجع ضمیر در هر سه آیه ذات اقدس (الله) است بر شأن رفیع مضاف تأکید شده‌است. این تعبیر بیانگر تمام بودن سکینه خداوند است و دلالت بر عظمت و رفعت این عطیه الهی دارد. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۶: ۱۶۳)

۱. و پیامبرشان بدیشان گفت در حقیقت نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش‌خاطری از جانب پروردگارتان و بازمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده‌اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند به سوی شما خواهد آمد مسلماً اگر مؤمن باشید برای شما در این [رویداد] نشانه‌ای است
۲. آنگاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد و سپاه‌یانی فروفرستاد که آنها را نمی‌دیدید و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد و سزای کافران همین بود.

۳-۳. سومین آیه از ماجرای هجرت پر مخاطره پیامبر (ص) از مکه به مدینه و پناهنده شدن آن گرامی به غار ثور سخن حکایت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) صبر و شهامت خویش را از حقیقت «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» می‌گیرد و سکینه الهی به عنوان منبع حقیقی آرامش، روح و جان وی را می‌نوازد: «إِلَّا تَتَضَرَّوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَخْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (التوبة/۴۰)

۳-۴. چهارمین دسته آیاتی که از سکینه سخن به میان می‌آورند، آیات چهارم و هجدهم و بیست و ششم سوره فتح می‌باشد که مربوط به داستان صلح حدیبیه است و در سال ششم هجری واقع شده‌است. مؤمنان که در آن سال برای زیارت خانه خدا به همراه پیامبر (ص) عازم مکه بودند با ممانعت مشرکان مکه روبه رو شدند در حالی که هیچ سلاح و ساز و برگ نظامی به همراه نداشتند. در چنین موقعیتی که بیم بروز جنگ و شکست سختی برای مسلمانان وجود داشت، به اراده خداوند صلح حدیبیه و بیعت رضوان تحقق یافت و به دنبال آن پیروزی‌های بسیاری نصیب مسلمانان گردید. (مکارم، ۱۳۷۹، ج ۲۲: ۹۶) این سه آیه شریف عبارتند از:

الف. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۱ (فتح/۴) طبق این آیه شریفه، سکینه حقیقتی است که وجودش مایه ازدیاد ایمان است؛ ایمانی به لحاظ رتبه متفاوت، ولی همساز با ایمان پیشین که نکره آمدنش به صورت «ایمانا»، بر جامعیت و علو مرتبه آن گواهی می‌دهد و برخاستنش از سکینه الهی، تأثیر و نفوذ آن را کامل می‌سازد.

ب. «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»^۲ (فتح/۱۸)

ج. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۳ (فتح/۲۶)

طبق مفاد دو آیه مزبور ضمن یادکرد از سکینه به عنوان موهبت بزرگ الهی، دیگر بار

(۱) اگر او [پیامبر] را یاری نکنید قطعاً خدا او را یاری کرد هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار [ثور] بودند وقتی به همراه خود می‌گفت اندوه مدار که خدا با ماست پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهانی که آنها را نمی‌دیدید تایید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پستتر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است

(۲) اوست آن‌کس که در دهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.

(۳) به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دل‌هایشان بود باز شناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد

(۴) آنگاه که کافران، تعصب (آن هم) تعصب جاهلیت را (نسبت به شما) در قلب‌های خود جا داده بودند. پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد (و آنان برای صلح آماده شدند) و خداوند آنان را به حقیقت تقوا ملزم ساخت که به آن سزاوارتر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز آگاه است.

تعبیر انزال را به کار می‌گیرد و ضمیری که مرجع آن خداوند است را به «سکینه» اضافه می‌نماید. ذکر سکینه با الف و لام تعریف نیز بیانگر سکینه از نوع معینی است که می‌توان نوع آن را همان آرامش و عطیه خاص الهی در نظر گرفت.

۴. سبک‌شناسی آوایی آیات سکینه

سبک‌شناسی آوایی شیوه‌ای است که موضوع آن مطالعه‌ی دقیق آواها در یک زبان است. آواشناسی یکی از دانش‌های وابسته به زبان‌شناسی است. در بین رشته‌های گوناگون زبان‌شناسی، آواشناسی بیش از همه جنبه تجربی دارد. زیرا زمینه کار آن، مطالعه و توصیف صداها و زبان است، یعنی پدیده‌هایی که وجود خارجی محسوس دارند. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۲-۱) در حقیقت آواها، نقش مهمی در القاء معانی مندرج در هر زبان را بر عهده دارند و در یک توصیف ساده می‌توان گفت که «زبان، آوا و معنی را به طریقی به یکدیگر پیوند می‌دهد». (چامسکی، ۱۳۹۰: ۱۶۳) بنابراین سطح آوایی از مهم‌ترین سطوح شناخته شده در علم سبک‌شناسی است و کلید سطح‌های دیگر این علم می‌باشد. از آنجایی که قرآن کریم به صورت شنیداری بر رسول اکرم (ص) نازل شده است، سطح آوایی آن ضرورت و اهمیت زیادی در بهره‌وری از کلام الهی برای اثرگذاری در عمق جان‌ها خواهد داشت. (کواز، ۱۳۸۶: ۳۰۳) بنابراین آواها ارزش معنایی و الایی دارند که این ارزش معنایی، گاه برگرفته از ویژگی‌های فیزیکی (طبیعی) و گاه برگرفته از ویژگی‌های شنیداری است. نگارندگان این جستار کوشیده‌اند تا سطح آوایی آیات مذکور مورد تبیین و واکاوی قرار گرفته و توجه به موسیقی و آهنگ حاکم بر این آیات بر اساس نوع هجاهای صوتی، تکرار حروف و کلمات، و همچنین معانی برآمده از آنها با هدف کشف پیوند موسیقی و معنا در این آیات تبیین و تحلیل شده است.

در سبک‌شناسی آوایی، اصوات و آواها براساس دو رویکرد کلی به طور جداگانه تقسیم می‌شود: الف. نوع هجاهای صوتی ب. مخارج حروف.

۴-۱. هجاهای صوتی

برای شناخت پایه و ساختار صوتی واژگان باید به نوع هجاهای صوتی تشکیل دهنده آنها توجه نمود. آواها بر اساس هجا بر دو نوع اند: الف. آواهای صدا دار که شامل حرکات کوتاه (فتحه، ضمه و کسره) و حرکات کشیده مثل «الف»، «واو» و «یاء» مدی و حروف لین (واو و یاء ساکن) می‌باشد. (عکاشه، ۲۰۱۱: ۱۷) ب. آواهای بی صدا (صامت) که همان حروف هجایی هستند و مخرج معینی در دستگاه گفتاری ندارند؛ لذا اگر هر کلمه‌ای، ترکیبی از صامت و مصوتها باشد به سه نوع؛ هجاهای کوتاه، متوسط (باز و بسته) و بلند (بسته، مزدوج، بسته) تقسیم می‌گردد. این تقسیم‌بندی به شناخت پژوهشگر نسبت به

سطح آوایی متن آیات کمک زیادی می‌کند. برای شناخت هجاهای مذکور در آیات سکینه و تبیین فراوانی و کارکرد عناصر هجایی، جدول زیر تنظیم شده است. که صامت را با رمز «ص» و حرکت کوتاه را با رمز «ح» و حرکت بلند را با رمز " ح ح " نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۱)

آیات	همس	درصد	جهر	درصد	مجموع حروف	ص ح	ص ح ص	ص ح ح
(۲۴۸) بقره	۴۰	۳۶	۷۱	۶۴	۱۱۱	۴۳	۲۰	۲۱
(۴) فتح	۱۸	۲۱	۶۹	۷۹	۸۷	۲۳	۱۵	۱۹
(۱۸) فتح	۱۸	۳۴	۵۳	۶۶	۸۰	۳۱	۱۶	۱۰
(۲۶) توبه	۱۸	۲۳	۶۱	۷۷	۷۹	۳۰	۱۲	۱۵
(۴۰) توبه	۵۰	۳۰	۱۱۸	۷۰	۱۶۸	۶۲	۳۰	۲۴
(۲۶) فتح	۴۲	۳۴	۸۲	۶۶	۱۲۴	۴۷	۱۹	۲۳

چنانچه در نمودار فوق مشاهده می‌شود تعداد هجاهای کوتاه نسبت به دو هجای دیگر بسامدی بیشتری دارد، زمانی که نغمه مقاطع و موسیقی آن با افکار و تصوراتی که این مقاطع آنها را بیان نموده، هماهنگ باشد تأثیر زیادی بر مخاطب می‌گذارد. همچنانکه بلند یا کوتاه بودن مقطع بر معنای واژگان تأثیر گذار است. از این روی هجاهای کوتاه ریتم تند و متحرکی به آیات می‌بخشد و چنین استنباط می‌شود که هجای کوتاه با فضای ابلاغ و آگاهی بخشی و برانگیختن توجه و احساسات، تناسب و همایی بیشتری دارد و تأثیر آن را شدیدتر می‌کند. گویی کاربرد هجای کوتاه در این آیات، اذهان مخاطبان را به سوی نتایج عالی و شگرف نزول سکینه معطوف می‌سازد. این نشان دهنده ریتم بسیار نافذ و مناسب با روح و روان مخاطبان این آیات است که بر آوای الفاظ این سوره حاکم می‌باشد. «علت آن است که قرآن اساساً شعر نیست؛ اما ریتم آن، با وجود اینکه از اوزان شعر به شمار نمی‌آید، محسوس است». (کواز، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۳۰۵) در هیچ کجای قرآن ما چنین نمونه‌ای را نمی‌یابیم که خداوند برای یاری بنده‌اش به شکل همه جانبه‌ای، هدیه‌ای ویژه که گویا متعلق به خود اوست با تعبیر «سکینه» ارسال نموده باشد که هم روح و جان او را مملو از صفا و یقین و طمأنینه نماید و هم فرشتگان رحمت خود را «وَأَيَّدَهُ بِجُودٍ» جهت امدادش بفرستد و و نتایج عالی که در ادامه آیات برای نزول سکینه بر می‌شمارد. در این آیات پس از هجای کوتاه، بسامد تقریباً برابری بین دو هجای متوسط باز و هجای متوسط بسته به طور کلی دیده می‌شود که مطلب قابل تاملی است و در جدول فوق، بسامد مقاطع آوایی هر آیه به طور دقیق ترسیم شده است.

هجای متوسط باز، بار موسیقایی آیات را گسترده و در عین حال جذاب نموده؛ از آن

روی که «مقطع های باز که با مصوت (کوتاه و بلند) پایان می پذیرد، آهنگ آن در گوش آشکارتر و در نفس مؤثرتر از مقطع های بسته است که به صامت ختم می شود». (عکاشه، ۲۰۱۱: ۴۲) و تأثیر بسزایی در ایجاد موسیقی داخلی دارد. برای تلفظ مقطع آوایی بسته زمان طولانی تری نسبت به مقطع آوایی باز لازم است؛ کاربست مقطع های آوایی صدایی بسته برای بیان نوعی از تعبیرات مناسب است که کاربرد مقطع مفتوح نمی تواند معنای مورد نظر را القا کند. (نحله، ۱۹۸۱: ۳۵۷)

۴-۲. تحلیل آواها بر مبنای مخارج حروف

پدیده جهر و همس از پدیده های آوایی است که در تشخیص اصوات زبان عربی و دلالت های معنایی آنها نقش برجسته ای دارد و مورد توجه بسیاری از دانشمندان تجوید و آواشناسی در قدیم مانند سیبویه و ابن جنی و آواشناسان معاصر مانند ابراهیم انیس و کمال محمد بشر و دیگران بوده است. آواها بر مبنای مخارج حروف به دو دسته تقسیم می شوند:

الف. آواهای واگذار یا مجهور ب. آواهای بی واک یا مهموس

آواهای مجهور به آن دسته از آواهای زبان اطلاق می شود که در هنگام تلفظ تارهای صوتی را به ارتعاش در می آورند. (انیس، ۱۹۷۱: ۲۰-۲۱) و در واژه های «ء، آ، ع، غ، ق، ج، ی، ض، ل، ن، ر، ز، ط، ظ، د، ذ، ب، م، و» یافت می شوند (سعران، بی تا: ۸۸) این آواها به خاطر شدت و آهنگ سختی که دارند معنا را آشکارتر جلوه می دهند و در گوش مخاطب تأثیر بسزایی دارند. (انیس، ۱۹۷۱: ۲۶) در مقابل آوای مهموس قرار دارد که تارهای صوتی در هنگام تلفظ این حروف به لرزش در نمی آید و طنین تارهای صوتی شنیده نمی شود. این آواها عبارت است از: «ت، ث، ح، خ، ک، س، ط، ف، ق، ه». (سعران، بی تا: ۸۸)

۴-۳. اهمیت تکرار آواها

«تکرار به معنا و مفهوم متن نوعی اصالت و عمق می بخشد و باعث می شود کلام دور یک محور متمرکز شود، عواطف را تشدید کرده و اثرگذاری را افزایش می دهد». (ملائکه، ۱۹۸۲: ۲۶۳-۲۷۷) بر این اساس عنصر تکرار یکی از عناصر و ویژگی هایی است که همه زبان ها و بویژه زبان عربی بدان متصف و از وجوه بلاغی و نشانه های اعجاز قرآن کریم محسوب می گردد. (خطیب، ۱۹۶۴: ۳۷۳) تکرار از قوی ترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله ای است که عقیده یا فکری را بر کسی القا می کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۹۹). بهره گیری خارق العاده قرآن کریم از این ابزار و عنصر بیانی در بیان مفاهیم و تقویت معانی چنان زیاد است که می توان به کارکرد این عنصر بلاغی در تمام سوره های قرآن اذعان داشت.

تکرار در کلام در سه شکل قابل تصور است: تکرار صوتی یا حرف، تکرار لفظی، تکرار عبارت (علوان سلمان، ۲۰۰۸: ۲۸۶) نظر به رعایت قوانین مجلات در نگارش مقالات، در

این جستار فقط تکرار و بسامد آواهای مجهور و مهموس و تکرار کلمه در آیات سکینه مورد واکاوی قرار گرفته و به تحلیل سبک‌شناختی واژگانی و ترکیبی، پرداخته نشده‌است. تحلیل و بیان مؤثرترین آواها که بیشترین بسامد را در آیات مذکور به خود اختصاص داده و تأثیری که در آشکار کردن معنا داشته را در این گفتار شرح و تبیین و نتیجه‌نهایی نیز در قالب جدول زیر ترسیم شده‌است.

نمودار شماره (۲)

حروف	(۴۰) سورة توبه	درصد	(۲۴۸) سورة بقره	درصد	(۲۶) سورة فتح	درصد	(۲۶) سورة توبه	درصد	(۴) سورة فتح	درصد	(۱۸) سورة فتح	درصد	مجموع
ل	۲۸	۳۱	۱۱	۱۲	۲۱	۲۳	۱۳	۱۴	۱۰	۱۱	۸	۹	۹۱
م	۶	۱۳	۱۵	۳۱	۹	۱۹	۴	۸	۷	۱۵	۷	۱۵	۴۸
ن	۱۲	۲۳	۱۱	۲۱	۷	۱۳	۸	۱۵	۸	۱۵	۶	۱۲	۵۲
ی	۱۳	۲۵	۱۰	۱۹	۸	۱۵	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۵	۵۲
الف	۱۵	۲۸	۱۱	۲۱	۱۱	۲۱	۵	۹	۷	۱۳	۴	۸	۵۳
هاء	۱۸	۳۶	۶	۱۲	۱۲	۲۴	۳	۶	۵	۱۰	۶	۱۲	۵۰
همزه	۸	۲۴	۷	۲۱	۷	۲۱	۴	۱۲	۳	۹	۴	۱۲	۳۳
ت	۵	۱۶	۱۰	۳۲	۷	۲۳	۲	۶	۲	۶	۵	۱۶	۳۱
ک	۵	۱۷	۹	۳۱	۶	۲۱	۴	۱۴	۳	۱۰	۲	۷	۲۹
س	۵	۳۱	۲	۱۳	۲	۱۳	۳	۱۹	۲	۱۳	۲	۱۳	۱۶
ق	۲	۱۷	۲	۱۷	۴	۳۳	۰	۰	۱	۸	۳	۲۵	۱۲

۴-۳-۱. صوت «لام»

همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، بیشترین بسامد در میان حروف را حرف «ل» دارا می‌باشد. این حرف برای تأکید، بهترین کارکرد را دارد و «از حروف ذلق است که دارای شیوایی و گویایی خاص است». (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۱۰۹) و در تلفظ دارای برجستگی خاصی است و تارهای صوتی را به نوسان در می‌آورد. (عباس، ۱۹۹۸: ۸۲) با توجه به جدول فوق، بیشترین تکرار مربوط به حرف "لام" با نود و یک بار است. این حرف را همخوان روان نیز می‌گویند، زیرا «صوت آن سیال، جاری و شفاف است». (نیربانی، ۱۴۲۷: ۱۶۸) مانند تداعی صدای باران وقتی که آرام آرام و پی در پی فرو می‌ریزد و جاری می‌گردد، صوت و آهنگ ملایمی را به همراه دارد. نرمی و سهولت تلفظ حرف لام و همنشینی آن با (ها الف میم) موجب دل‌نشینی کلام خداوند شده‌است. چون خاصیت

قوام و پایداری نیز از آن برداشت می‌شود (عباس، ۱۹۹۸: ۷۸) این سیالیت حرف «لام» نوعی موسیقی روان و جذاب و در عین حال سرشار از قاطعیت از جانب حق به «آیات سکینه» بخشیده است که همچون ملودی «سان» نظامی که درسکوت و آرامش فرماندهان نواخته می‌شود، نت‌های قاطعیت و استواری آن در وجود آدمی جای می‌گیرد.

به عنوان نمونه آیه شریفهٔ چهل سورهٔ مبارکهٔ توبه مربوط می‌شود به یکی از حساسترین و پرخطرترین دوران زندگی رسول گرامی (ص) یعنی زمانی که از هر طرف مورد محاصرهٔ کفار قرار گرفته بود، اما خداوند با فرستادن انواع امدادهای غیبی از جمله سکینهٔ خویش، ایشان را یاری می‌کند و دشمنان را مایوس می‌گرداند. این تنها موردی است که در قرآن کریم از نزول سکینهٔ اختصاصی و ویژه بر آن حضرت سخن می‌گوید. در اینجا سبک آوایی حاکم، بیشترین تکرار خود را با ۲۶ بار تکرار در آوای مجهور «لام» نشان داده است. همنشینی این حرف «لام» با واژگانی چون «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ»، و «فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ»، «لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» و در مهمترین شکل آن، همنشینی و تکرار ده بارهٔ با لفظ جلالهٔ «اللَّهُ» به طرز شگرفی نغمه‌ای امید بخش می‌آفریند؛ چون اساساً غرض آیه، زنده کردن روح ایمان و توکل به لطف خداوند در اوج سختی‌ها و تنگناهاست. همچنین ویژگی قوام و قاطعیت این مجهور، شنونده را بیدار می‌کند که تنها ادعای ایمان کافی نیست و استواری و صبر در جهاد است که عیار مؤمن را نمایان می‌سازد و به گونه‌ای نغمه نوازی می‌کند که رحمت و غفران الهی، قطعا از آن کسانی است که در مجاهدت در راه خدا، استوار بوده‌اند؛ «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» همچنانکه عذاب، کیفر کافران است؛ «...وَعَذَابُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ». منظور از مؤمنان در این آیه کسانی بودند که در آن هنگامه در کنار رسول خدا (ص) ماندند و استقامت ورزیدند. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج: ۹، ۲۹۸)

ارتباط ریتمیک تکرار صوت «لام» با جمله «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» در تمام آیات سکینه، نشان دهنده پیوند ژرف و عمیق واژه‌ها و صامت هاست و این مفهوم از کلام وحی به شنونده منتقل می‌شود که «غیر از رسول و مؤمنان خاص» از دایرهٔ برخورداری از این عطی و موهبت الهی خارج هستند. لذا «خداوند در قرآن، نزول سکینه را مقید به مؤمنانی می‌داند که دلی صادق و طاهر دارند؛ یعنی سکینت از قول خداوند، مخصوص آن دلی است که یک نحوهٔ طهارت داشته باشد. و از سیاق آیات بر می‌آید که آن «طهارت» عبارت است از: «ایمان صادق» یعنی ایمانی که آمیخته با نیت خلاف نباشد و از همه اغراض و نیات دیگری به غیر از نیت و قصد جلب رضایت باری تعالی و تقرب به او و رسولش خالی باشد». (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج: ۹، ۲۹۶)

۴-۳-۲. حرف «میم»

صوتی مجهور است که به جهت فیزیک تلفظی و حرکت زبان، از حروف منفته و

مستفله به شمار می‌رود. (جزری، ۱۴۲۱: ۵۵) و به صورت نازک اداء می‌شود... همچنین از رخاوت این حرف می‌توان به عنوان دلیل دیگری برای سستی و آسانی تلفظ آن یاد کرد. میم را از جمله حروف غنوی برشمرده‌اند. (محمود، ۱۴۲۴: ۱۰۸) در تلفظ این واج، لبها روی هم نهاده می‌شوند، راه عبور هوا از دهان بسته می‌شود و با امتداد لبها، صوت میم پدید می‌آید. این پدیده بیانگر جریانات طبیعی است که در آن مسدود شدن را به تصویر می‌کشد. «صفت مهم این حرف انسداد و چسبندگی است و از آنجا که یک حرف خیشومی است، هنگام ادا از فضای دهان به داخل فضای بینی می‌افتد و قطع ناگهانی صوت را به گوش می‌رساند». (خوش منش، ۱۳۹۹: ۱۲۸)

همانطور که در جدول سوم هم ملاحظه می‌شود صامت میم با پانزده بار تکرار در این آیه شریفه (بقره/۲۴۸) بالاترین بسامد را دارد. این نوع از سکینه مربوط به قوم بنی اسرائیل و پیامبران آنان بوده است.

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ...» موسیقی غنه نازک و سایشی میم در آیه شریفه که به زیبایی، برای انتقال معنای آیه دلنوازی می‌کند و فضای آیه را به گونه‌ای روح انگیز به تصویر می‌کشد؛ «زیرا حکایت از آرامش و طمأنینه‌ای دارد که بنی اسرائیل از تابوت عهد می‌گرفتند و آنها را در جنگهای علیه دشمنان یاری می‌داد و تسلی‌گر آنان و از همه مهم‌تر منشا الهی داشت». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۴۰)

در این آیه خداوند بندگانش را با یک صندوق، پشتیبانی روحی می‌کند. هر وصف و سرگذشتی که درباره این تابوت، آورده شده همگی حجت‌هایی هستند بر اینکه این تابوت، نه یک صندوق عادی بلکه وسیله‌ای بوده برای نمود قدرت الهی، چه آن زمان که وسیله نجات حضرت موسی (ع) گردید؛ چرا که از جانب خدا برای مادرش فرستاده شد و چه آن زمان که دست نخورده در قصر فرعون باقی ماند که خداوند سبب این محافظت بود و چه زمانی که در میدانهای جنگ، آرامش بخش قوم یهود بوده است.

در ادامه قدرت صوت «میم» مشاهده می‌شود که در رساندن این پیام که راه حل و فرمول نهایی استقامت در سختی‌ها و درک و فهم آیات، ایمان به ذات احدیت است. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۸۸)

۴-۳-۳. حرف «یاء»

هنگام تولید حرف یاء، زبان تقریباً در وضعیت تلفظ صدای نرم قرار می‌گیرد با ملاحظه وضع زبان در تلفظ آن به صدای لین شبیه است. به همین سبب آواشناسان جدید آن را «شبه صوت لین» نامیده‌اند. (ستوده نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۱) صامت «یاء» از حروف مجهورهای است که با دارا بودن دو ویژگی استفال و انفتاح. (ابن جزری، ۱۴۲۱: ۶۲) باعث می‌شود که با نازکی، نرمی و آشکارا اداء شود. همچنین بیان احساسات و واکنش‌های مؤثر درونی از

دیگر ویژگی های این حرف است. (عباس، ۱۹۹۸: ۹۸) صامت «ی» با ویژگی های یاد شده در آیات مرتبط با مسأله نزول سکنیه، نغمه های زیبایی را ترسیم نموده است.

چینش و همایی واژگان، پیوند و سازگاری محتوایی و موسیقایی اعجاز آمیزی را در این آیات به نمایش گذاشته است. «رَضِيَ اللَّهُ. الْمُؤْمِنِينَ.. يُبَايَعُونَكَ .. فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ.. فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ.. فَتَحَا قَرِيْبًا» آوای رقیق و نرم (یاء) به همراه موسیقی غنّه نازک و سایشی «لام»، تصویر بسیار جذاب و دلنشینی را از صحنه رضایت خداوند از انسانهایی می آفریند که با رغبت و اعتقاد قلبی رو به کاری آوردند که نتیجه آن رضایت خداوند و نزول برکات از جمله سکنیه و فتح و پیروزی است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۱۰۸) بنابراین صامت «یاء» در بیان محتوای کلام نقش اساسی دارد. این آوا از آواهای روانی است که مجرای تلفظ آن گسترده است. همانگونه که سایش این آوا از نظر تلفظ با بقیه همخوان ها متفاوت است، هم طنین یک واکه و هم سایش یک همخوان را دارد. «در این آیه به فراخور محتوا و برحسب ضرورت، آوای مذکور، تأثیر ملموس و محسوسی از خود نشان داده است.» (پاینده، ۱۳۸۵: ۱۶) تکرار پنجاه و دوباره حرف «یاء» و آوای رقیق و ویژگی رخوت این صامت در جان مخاطب تأثیر لطیفی می گذارد و او را مشتاق به حضور در صنف و گروه مؤمنین می نماید. مخصوصاً آنجا که میفرماید «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» که همنشینی آن با حروف میم و نون با صفت غنّه لطیف و نظم آهنگ نرمی که دارد در ترکیب «وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» فضای امیدبخشی را برای مؤمنان ترسیم نموده است.

۴-۳-۴. حرف «نون»

نون از حروف ترنم است. این حرف مجهور دارای حالت توسط و بین شدت و رخاوت است. مسیر تلفظی آن با نوعی سایش بسیار نرم و ظریف، ویژگی صوتی غنّه را تولید می کند. (أنیس، ۱۹۷۱: ۴۵) و شبیه به صدای غزال است. (ستوده نیا، ۱۳۷۸: ۸۰) به سبب همین ویژگی، نوعی نغمه نرم و اندوهناکی را خلق کرده است و گاهی حالت حزن و در ماندگی را برای مخاطب خود تداعی می کند. ویژگی های آوایی این صامت در «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ..»، با هشت مرتبه تکرار، نوع والایی از عشق بین خالق و مؤمنینش را برای مخاطب ترسیم کرده است. «زیرا اصوات نقشی مهم را در کشف انفعالات نفسانی و طاقات بشری ایفا می کند، به بیانی دیگر اصوات مظهر انفعال نفسانی است و این انفعال بشری سبب تنويع و تفاوت در ایجاد صوت بوده و هر آنچه از صفات حروف بر می آید بر اضطراب نفس شنونده می افزاید.» (حاجی زاده، ۱۳۹۱: ۱۵)

«نون» حرفی جهری، انفی و لثوی است (سلوم، ۱۹۹۶: ۳۶) و در آواشناسی عربی حرفی میان شدت و رخوت به حساب می آید و با برخورداری از صفت غنّه در کلام موسیقی

و وضوح ایجاد می‌کند. (انیس، ۱۹۷۱: ۶۴) تکرار آوای «نون» دلالت بر رأفت، لطافت و زیندگی دارد. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۳) این صوت معنایی دوگانه در آن آشکار است، جنبهٔ جهری آن عاطفه و شفقت را بر می‌انگیزد و بخش غنه‌ای آن، بیانگر نارضایتی و غم و اندوه است. (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۹) در آیهٔ بیست و ششم سورهٔ توبه، واج «نون» این ویژگی خود را به خوبی نشان می‌دهد؛ یعنی علاوه بر آوای رأفت و عطوفتی که دارد در «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ... وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا..» نوعی نارضایتی را نیز به تصویر کشیده است که با توجه به «عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»، آوای ناشی از ناخشنودی و عدم رضایت نیز تداعی می‌شود که مقصود همان خشم خداوند و عذاب کافرین است که ناشی از بی توجهی و غفلت آنان نسبت به انجام وظایف انسانی و الهی است.

۴-۳-۵. مصوت «الف»

دارای کشش و بلندی است (عباس، ۱۹۹۸: ۹۷) و از جمله حروف مدی است که مخرج تلفظ آن گسترده است. بدین صورت که هنگام بر زبان آوردن آن مجرای تلفظ باز می‌شود. «این خصوصیت موجب شده است که این حرف، روان بر زبان جاری شود». (ابن جنی، ۱۹۵۴: ۸) در این آیات آوای الف با پنجاه و سه بار تکرار از محتوای آیات پرده برداشته و جهت‌مندی آن را نشان داده است. «مصوت‌های بلند از جمله الف چون از حروف مدی هستند، از لحاظ کشش، زمانی طولانی‌تر از صامت‌ها دارند و دو برابر آنها کشیده می‌شوند». (بحراوی، ۱۹۹۱: ۵۲) چنین امتدادی باعث ایجاد حالت ثبوت می‌شود. (زارعی فر، ۲۰۰۷: ۳۴) این مصوت با تکراری که در بیشتر واژگان آیات سکینه دارد، نزول سکینه را به زیباترین شکل به تصویر کشیده و پیامدهای آن را پیش رو نهاده است. بنابراین کشش، قوت و امتداد صوتی که در الف به عنوان یک آوای مفخم وجود دارد، صلابت سخن، تأمل و ژرف نگری را در مخاطب دامن زده است و نگاهی به توازن آوایی آیاتی که در آنها الف دارای بسامد بیشتری است این مطلب را نشان می‌دهد که «واکه‌های بلند الف برای بیان توصیف اندیشه‌ها و احساسات بلند متناسب است، زیرا در زمان تجلی آنها صدا اوج می‌گیرد». (قویمی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۱)

آوای الف تک بعدی نیست و تنها یک معنا را تقویت نمی‌کند، بلکه این حرف در کنار «واو - یاء» با دارا بودن کارکرد چند معنایی هم چون شدت، جهری بودن، اتساع و امتداد نفس، هم برای حالت‌های حزن و اندوه و هم برای بیان اشتیاق خود نمایی می‌کند که در آیهٔ ۴۰ سورهٔ توبه با ۱۵ بار تکرار نمود و جلوهٔ خاصی یافته است. همچنین روانی تلفظ و همنشینی الف با هاء بر انعطاف و نرمی دلالت دارد، به ویژه در لفظ جلاله «الله».

۴-۳-۶. حرف «قاف»

حرف «قاف» با صوت قوی خود نوعی هشدار، بیداری و آگاهی را خلق می‌کند و در تلنگر زدن و هوشیارسازی مخاطب مؤثر است. «از اصوات مهموس و مفخم است که در تلفظ آن استعلاء زیاد است و دارای کوبندگی، تندی و تیزی است». (عباس، ۱۹۹۸: ۱۰۱) نمونه‌هایی فراوانی از نقش آفرینی آوای قاف را در آیات سکنیه به وضوح دیده می‌شود. در آیه شریفه «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ.. وَأَتَيْنَاهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»، حرف قاف با سه مرتبه تکرار در آیه کوتاه مذکور و دوازده مرتبه تکرار در آیات سکنیه، به منزله پیام و هشدار بزرگی است برای همه حق‌طلبان مبنی بر اینکه خداوند به این مؤمنان فداکار و ایثارگر که در آن لحظه حساس با پیامبر (ص) بیعت کردند چهار پاداش بزرگ داد که از همه مهمتر همین نعمت و موهبت رضایت و خوشنودی او بود، همانگونه که در آیه شریفه هفتاد و دوم سوره مبارکه توبه، نیز به عظمت خوشنودی خدا به عنوان مهمترین موهبت الهی تصریح شده است: «وَرِضَاؤُنْ مِنْ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه/۷۲)

سپس می‌افزاید: خداوند می‌دانست آنچه در درون قلب آنها از صداقت و وفاداری نسبت به این پیمان نهفته است. لذا سکنیه را بر آنها نازل کرد: «فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ».

۴-۳-۷. حرف «تاء»

حرف «تاء» از جمله آواهای مهموسی است که در محل تلفظش پایدار است و به صورت قوی ادا می‌شود. (انیس، ۱۹۷۱: ۵۱) تکرار (تاء) این حرف تأکید لفظی و واج‌آرایی به شمار می‌رود و باعث نفوذ و رسوخ معنا در قلب مخاطب می‌شود و صامتی انفجاری است که به وسیله مکانیسم بسته تولید می‌شود. (زندى، ۱۳۷۱: ۷۰) حضور آوای تاء با ده مرتبه تکرار در بیان معنای آیات سکنیه و در به تصویر کشیدن موقعیت‌های نزول این عطیه الهی به خوبی در پیوند موسیقی و معنا در انتقال پیام به مخاطبان ایفای نقش نموده است.

الف. «آيَةُ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ.. تَحْمِلُ الْمَلَائِكَةُ»: در آیه مذکور، قوت موسیقی این صامت با هم نشینی آواهای شدیدی همچون همزه و کاف نقش بارزی را در القای پیام به مخاطب ایفا نموده است. به این معنا که رهبر الهی، نشانه الهی لازم دارد و چون طالوت برگزیده از طرف خداوند بود، لازم بود نشانه‌ای الهی او را تأیید کند.

ب. «وَيَقِيَهُ مِمَّا تَرَكَ..» کارکرد انفجاری و صوت نافذ (تاء) در رساندن معنایی ژرف جای تأمل دارد: صندوقی که با بدن موسی و الواح تورات تماس داشته، مقدس و آرام‌بخش است، پس حفظ آثار انبیای الهی، ارزش داشته و مایه آرامش خاطر و تبرک است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۸۸)

۴-۴. تکرار کلمه

با توجه به اینکه بررسی و تحلیل عنصر تکرار از مهمترین اسلوب‌ها و روش‌ها در فهم متون ادبی است؛ از سوی ناقدان و ادیبان مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است؛ زیرا تکرار با نقش‌های شگرف و شگفت معنایی و قالبی خویش می‌تواند نقشی مهمی در برآوردن و توسعه لفظ و معنای آثار ایفا کند. اصولاً تکرار جنبه هنری دارد و از ویژگی‌های اسلوب قرآنی است و در زبان عربی برای تأکید و بهتر فهماندن مطلب، تکرار وجود دارد. همچنانکه ابوهلال عسکری بر این موضوع تأکید نموده و چنین می‌گوید: «تکرار برای تأکید و رسوخ مطلب در ذهن شنونده و بهتر جایگزین شدن سخن در قلب شنونده است؛ [استعملوا التکرار لیتؤكد به القول للسامع]». (عسکری، بی‌تا: ۴۰۲) بنابراین عنصر تکرار از جمله شاخصه‌های سبکی در متون ادبی است که نقش بسزایی در دلالت‌های آوایی و معنایی دارد و «بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را بر کسی القا می‌کند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۹۹).

از جمله مهمترین انواع تکرار در یک اثر ادبی، تکرار کلمه می‌باشد. «تکرار کلمه به صورت تصادفی و صرفاً جهت پرکردن عبارات نیست، بلکه در ورای آن دلالت و معنایی نهفته‌است. هدف از تکرار کلمه تأکید معنا، نفی یا یادآوری یا توسعه و وسعت دادن به معنایی است. (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۰۲: ۵۲-۵۹)

تکرار کلمه‌هایی که بار معنایی آیات سکینه را مضاعف کرده، به قرار زیر است:

۴-۴-۱. تکرار کلمه «آل» در آیه شریفه ۲۴۸ سوره مبارکه بقره: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ... آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ...» (بقره/۲۴۸) تکرار این کلمه موضوع قابل توجهی را اعلام می‌نماید و آن اینکه هارون نیز مانند موسی (ع) از انبیای الهی و دارای عظمت و شأنی رفیع بوده‌است و مقصود از آل موسی و آل هارون، پیامبران از نسل موسی و هارون هردو می‌باشد و یا «آل» برای عظمت شأن آن دو ذکر شده‌است؛ چون «عرب این عادت را دارد که گاهی «آل» می‌گوید و مقصودش خود شخص است» (اثنی عشری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۴۲)

۴-۴-۲. مورد دوم تکرار کلمه در آیات سکینه به تکرار لفظ «حمیه» و تکرار «علی» در آیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه فتح مربوط است که می‌فرماید: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ». (فتح/۲۶)

«حمیت» در اصل از ماده «حمی» به معنی حرارت است، و سپس در معنی غضب، و بعداً به معنی نخوت و تعصب آمیخته با غضب به کار رفته‌است. (ابن منظور، ۱۹۹۸، ج ۱۴: ۳۴۸). برخی از اهل لغت آن را به معنای امتناع که سبب حمایت است استعمال کرده‌اند. (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۶) همچنین از قوه خشم و غضبی هم که طغیان می‌کند و باحمیت و غیرت زیاد می‌شود به «حَمِيَّة» تعبیر شده‌است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۹)

این واژه، گاه در همین معنای مذموم (توأم با قید جاهلیت، یا بدون آن) و گاه در معنی

ممدوح و پسندیده به کار می‌رود و اشاره به غیرت منطقی و تعصب در امور مثبت و سازنده است. لذا چون در معنای پسندیده هم به کار می‌رود اینجا قرآن کریم با اضافه کردن حمیت به جاهلیت، این نوع حمیت را تحقیر نموده همانگونه که با اضافه سکنیه به اسم ذات «الله» بر رفعت و شرف این پدیده تأکید نموده است. «همچنین تأکید می‌کند که این حمیت از نوع حمیت جاهلیت است که خطرناک است و شکی نیست که وجود چنین حالتی در فرد یا جامعه باعث عقب ماندگی و سقوط آن جامعه است. پرده‌های سنگینی بر عقل و فکر انسان می‌افکند و او را از درک صحیح و تشخیص سالم باز می‌دارد. در حقیقت داروی این درد را قرآن مجید در همین آیه مورد بحث بیان کرده است؛ آنجا که در نقطه مقابل آن، از مؤمنانی بحث می‌کند که دارای سکنیه و روح تقوی هستند. بنا براین آنجا که تقوی است، حمیت جاهلیت نیست، و آنجا که حمیت جاهلیت است ایمان و تقوی نیست!». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۲: ۹۵)

۴-۴-۱. نکته تکرار حرف جرّ «علی»

تکرار کلمه «علی» چند مطلب مهم را با ظرافتی مثال زدنی بیان می‌کند که توجه به آن و درک آن، صفا بخش جان‌های مشتاق به شنیدن کلام حق است: اول: برای این است که توهم نشود که قوت ایمان مؤمنین به پایه قوت ایمان رسول خدا (ص) است. چنانچه درجه ایمان علی (ع) فوق ایمان جنّ و انس است. (ثُمَّ أُنْزِلَ اللَّهُ سَكِينَةً) یعنی پس از فرار شما و ادبار شما انزال سکنیه شد. دوم: (علی رسوله) که احدی بمقدار حضرت رسول (ص) قوی القلب نبود. تا جاییکه از امام علی (ع) روایت شده که هر وقت در میدان جنگ کار سخت می‌شد پناه می‌بردیم به ایشان و حضرت خاک برمی‌داشت و به طرف کفار می‌پاشید و می‌فرمود شاهت الوجوه اینها فرار می‌کردند یا کشته می‌شدند و این قوت قلب از روی قوت ایمان است. و سوم: در آیه غار می‌فرماید: (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ) و فرمود (علیهما) زیرا ابوبکر، آن ایمان قوی و مرضی‌الهی را نداشت ولی در این آیه می‌فرماید: (وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) آنهایی که به وعده الهی یقین داشته و اطمینان به نصرت حضرت حق داشتند لذا ثابت قدم ماندند تا فتح و ظفر نصیب آنها شد. (طیب، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۰۱)

۴-۴-۴. مورد سوم از تکرار لفظی در آیات سکنیه، تکرار کلمه «إِيْمَان» در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» است. این تکرار «إِيْمَان» در جهت انتقال معنای آیه است شاهد این بیان تفاسیر معصومین و علمای دین است که:

الف. سکنیه در روایات به ایمان تفسیر شده است. با مراجعه به احادیث و روایات درباره معنای سکنیه زمان پیامبر (ص) که به تعبیر قرآن بر قلبها نازل گردید، دیده شد که بیشتر این روایات، سکنیه مذکور را به معنی ایمان به خدا آورده‌اند. از جمله اصول کافی از ابو حمزه ثمالی نقل شده که از امام محمد باقر (ع) راجع به قول خدای عزوجل که فرمود: «سکنیه را

در دل مؤمنین نازل کرد». پرسیدم، فرمود: «سکینه ایمان است» و نظیر همین قول در روایاتی از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نیز آمده است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۸)

ب. سکینه چون مولود ایمان به خداست در روایات به ایمان تفسیر شده و به عبارتی چون با ایمان رابطه نزدیکی دارد یعنی زائیده ایمان است به ایمان تفسیر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۳۴۵)

همچنین آمده است: «لطف قوی خداوند و اینکه خداوند درباره مؤمنین لطفی نماید که در اثر آن، چنان بصیرتی به حق پیدا کنند که روحشان آرامش یابد و این بصیرت و یقین در اثر کثرت ادله‌ای است که دلالت بر وجود حق دارد، و این نعمت مخصوص مؤمنین است ولی غیر مؤمنین، روحشان با اولین شبهه‌ای، گرفتار شک و تردید می‌شود. زیرا آنان از این آرامش یقین بهره نداشته و قلبشان در اضطراب است». (طبرسی، ۱۳۶۳، ج ۲۳: ۸۰)

ج. در توضیح حقیقت سکینه از علمای دین، سکینه را همان مرتبه یقین نسبت به باور و ایمان قلبی دانسته‌اند و بدین گونه تشریح نموده‌اند که در مورد کیفیت وقوع سکینه در قلب، خبری در دست نیست، تنها در این باره می‌توان گفت که «سکینه» همان حالت اطمینان و آرامشی است به آنچه که شخص باید ایمان داشته باشد. مانند همان قضیه حضرت ابراهیم (ع) که از خداوند درخواست رؤیت کیفیت معاد نمود، با آنکه ایمان و باور قلبی داشت اما ایمان او به یک امر غیبی و غیر محسوس بود که وجود او را آرام و راحت نمی‌ساخت و ایشان می‌خواستند که به امر عینی و محسوس تبدیل شود. لذا در مورد سکینه نیز باید گفت، به گونه ای است که مؤمن بر اثر عنایات الهی و افاضه و اشراق حق نسبت به او، حالتی پیدا کند که گویا پرده‌های طبیعت از جلو چشم او برداشته شده است و به مرحله عین‌الیقین برسد. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۶۳: ۳۶)

د. سکینه در حقیقت، خود افزایش ایمان است «سکینه»، وقار و آرامش است، و نه ابزاری برای فزونی ایمان که خود افزایش ایمان است. محصول ایمان و تسلط بر نفس است که خود از ارکان فضایل اخلاقی است». (سید قطب، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۵۱)

نتیجه‌گیری

- بررسی سطح آوایی «آیات سکینه» نشان می‌دهد در میان سه مقطع هجایی آیات مذکور، یعنی (هجای کوتاه، هجای متوسط باز و متوسط بسته)، هجای کوتاه از بسامد فزونتری نسبت به دو مقطع دیگر برخوردار است که با فضای ابلاغ و آگاهی بخشی و برانگیختن توجه و احساسات تناسب بیشتری دارد. همچنین ترکیب این هجاها در واژگان و چینش آنها در کنار یکدیگر، موسیقی درونی و بیرونی آیات را تأمین می‌کند و از بسامد بسیار بالایی برخوردار است و به دلیل پیوند منسجم آنها با معنا و مفهوم آیات، تأثیر زیادی را بر مخاطب می‌گذارد.

- عنصر «تکرار» که از شاخصه‌های اصلی و اساسی در فرایند موسیقایی یک متن ادبی و توصیفی ایفای نقش می‌کند، در این آیات، متناسب با مفهوم و غرض آیات، از بسامد بالایی برخوردار است؛ در این میان در کلام وحی آواهای مجهور و مهموس برای جلب اهتمام مخاطب و بیان مقصود خود در نهایت زیبایی و تناسب به کار رفته‌است.

- قاطعیت و استواری و عظمت بیان با آواهای مجهور و فضای آرامش و امید با حروف همس به نمایش گذاشته شده‌است. به طوری که با موسیقی زیبای آواهای مهموس، گوش جان با آن مأنوس گردیده و روح به نهایت طمأنینه می‌رسد و شوق را در مخاطب دو چندان می‌نماید. همچنین در آیات سکنیه، تکرار کلمه نیز از بسامد بالایی برخوردار است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنادار موجود، در انتقال پیام این آیات نقش بسزایی را به نمایش گذاشته‌است..



کتابنامه

- قرآن کریم.
الوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن جزری، ابوالخیر (۱۴۲۱ ق)؛ التمهید فی علم التجوید، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۴ م)؛ سر صناعة الإعراب؛ به کوشش مصطفی السقا و دیگران، مصر: مکتبه مصطفی الحلبي.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)؛ تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاريخ الأدبی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ ق)؛ لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
- ابوالفتح رازی، جمال الدین حسین بن علی (۱۳۸۵ ق)؛ تفسیر روح الجنان، تصحیح و حواشی، میرزا ابوالحسن شعرانی و علی اکبر غفاری، ج ۱۰، تهران: انتشارات اسلامی.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۴ ش)؛ مقامات معنوی، ترجمه سمن بینا، ج ۲، تهران: انتشارات بینا.
- أنیس، ابراهیم (۱۹۷۱ م)؛ الأصوات اللغویة، مصر: مکتبه نهضة مصر و مطبعته.
- بحراوی، سید (۱۹۹۱ م)؛ موسیقی الشعر عند الشعراء؛ قاهره: دارالمعارف.
- بشر، کمال (۲۰۰۰)؛ علم الاصوات، قاهره: دار غریب للطباعة و النشر.
- بنت الشاطی، عائشه عبد الرحمن (۱۹۸۴ م)، الإعجاز البیانی للقرآن، قاهره: دارالمعارف
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵ ش)؛ نهج الفصاحه؛ به کوشش عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، ج ۲، اصفهان: انتشارات خاتم الانبیاء.
- چامسکی، نوآم (۱۳۹۰ ش)؛ معماری زبان، ترجمه محمد فرخی یکتا، تهران: انتشارات روزبهان.
- حاجی زاده، مهین و همکاران (۱۳۹۱ ش)؛ «دراسة أسلوبیة فی مقامات الحریری»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۵، صص ۷-۲۶.
- حر عاملی، ابراهیم عاملی (۱۳۷۸ ش)؛ تفسیر عاملی، ج دوم، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ ش)؛ تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.
- خطیب، عبدالکریم (۱۹۶۴ م)؛ اعجاز القرآن، دراسه کاشفة لخصائص البلاغة العربیة و معاییرها، الطبعة الأولى، مصر: دارالکتاب العربی.
- خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۹ ش)؛ نظم آهنگ قرآن، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۲ ق)؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیة.
- زارعی فر، ابراهیم (۲۰۰۷ م)؛ الموسیقی فی الشعر الاجتماعي عند حافظ ابراهیم؛ الجمعية العلمیة الایرانیة للغة العربیة و آدابها صص ۲۳-۳۹.
- زندى، بهمن، (۱۳۷۱ ش)؛ درآمدی بر آواشناسی زبان عربی و تجوید قرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ستوده نیا، محمد رضا (۱۳۷۸ ش)؛ بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی، تهران: نشر رایزن.
- سعران، محمود (بی تا)؛ علم اللغة مقدمة للقرارى العربی، لبنان: دارالنهضة العربیة.
- سلوم، تأمر (۱۹۹۶ م)؛ «الإنزیاح الصوتی الشعری»؛ مجلة آفاق الثقافة و التراث، جامعة تشرين - اللاذقية، شماره ۱۳، صص ۳۵-۵۲.
- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۳۷۲ ش)؛ زیربنای صلح جهانی، مترجم سیدهادی خسرو شاهی و زین العابدین قربانی، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴ ش)؛ موسیقی شعر، چاپ هشتم، تهران: نشر آگاه.
- شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۳۷۲ ش)؛ عیون اخبار الرضا، مترجم: علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، ج ۱، ج ۲، تهران: نشر حق.
- طاهرى خرم آبادی، سید حسن (۱۳۶۳ ش)؛ «مقاله امدادهاى الهی»، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۳۹، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲ ش)؛ المیزان في تفسير القرآن، (ج ۹ و ۲۲)، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

طبرس، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۶۳ ق)؛ مجمع البیان، مترجم: حاج شیخ علی کاظمی، ج ۱، ج ۲۳، تهران: موسسه انتشارات فراهانی.

طیب، عبدالحسین (۱۳۷۴ ش)؛ اطیب البیان في تفسير القرآن، ج ۶، تهران: اسلام.

عاملی، ابراهیم (۱۳۵۹-۱۳۶۰)؛ تفسیر شریف عاملی، نگارش: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.

عباس، حسن (۱۹۹۸ م)؛ خصائص الحروف العربیة و معانیها؛ دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.

عکاشه، محمود (۲۰۱۱ م)؛ التحلیل اللغوی في ضوء علم الدلالة. قاهره: دارالنشر للجامعات.

علوان سلمان، محمد (۲۰۰۸)؛ الايقاع في شعر الحدائث، الاسکندریة العامریة: بینا.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳ ش)؛ تفسیر نور، چ یازدهم، (ج ۱ و ۳)، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸ ق)، قاموس القرآن الکریم، ج ۸، ج ۳، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

قویمی، مهوش (ش ۱۳۸۳)؛ آوا و القاب: تهران: نشر رمس.

کواز، محمد کریم (۱۳۸۶ ش)؛ سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.

محمود عبد السمیع، احمد (۱۴۲۴ ق)؛ التجدید في الإتقان و التجوید، بیروت: دارالکتب العلمیة.

مدرسی، فاطمه (۱۳۸۷ ش)؛ از واج تا جمله، چاپ دوم، تهران: نشر چاپار.

معین، محمد (۱۳۷۱ ش)؛ فرهنگ معین، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹ ش)؛ تفسیر نمونه، (ج ۲، ۷، ۲۲)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱ ش)، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی التمهید.

مؤمن نژاد، ابوالحسن و همکاران (۱۳۹۶ ش)؛ سبک‌شناسی سوره نازعات، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای ادبی- قرآنی، شماره چهارم، سال پنجم، صص ۲۶-۴۷.

نحله، محمود احمد (۱۹۸۱ م)؛ لغة القرآن الکریم في جزء عم، بیروت: دارالنهضة العربیة.

نیربانی، عبد البدیع (۱۴۲۷ ق)؛ الجوانب الصوتیة في کتب الاحتجاج للقراءات، دمشق: دارالغوثانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

The Holy Quran

- Alusi, Mahmoud bin Abdullah. (1415 BC). The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an and the Seven Repeated Verses, Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Baydoun Publications.
- Ibn Jazari, Abu Al-Khair. (1421). An Introduction to the Science of Tajweed, Beirut: Al-Resalah Foundation.
- Ibn Jinni, Abu Al-Fath Othman. (1954). The secret of Parsing Art, collected by Mustafa Al-Saqqa et al., Egypt: Mustafa Al-Halabi Library.
- Ibn Ashour, Muhammad Taher. (1420). Interpretation of Lal-Tahrir and Al-Tanvir, Beirut: Literary History Foundation.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Mokram. (1410). Lisan al-Arab, Qom: Adab Houdeh Press.
- Abu Al-Futuh Razi, Jamal Al-Din Hussein bin Ali. (2006). Interpretation of Ruh al-Jinan, corrected and footnotes by Mirza Abul-Hasan Shaarani and Ali Akbar Ghafari, Vol. 10, Tehran: Islamiyyah bookstore.
- Anis, Ibrahim. (1971). Linguistic Voices, Egypt: Nihdat Misr Library and Press.
- Bahrawi, Sayed (1991). Poetry music according to poets, Cairo: Dar Al Maaref.
- Chomsky, Noam. (2011). Architecture of language, translation, Mohammad Farokhi Yekta, Tehran: Rozbahan.
- Hajizadeh, Mahin et al. (2012), "Dirasat 'uslubiat fi maqamat alhariyriy" (A stylistic study in Al-Hariri's Maqamat), Journal of Arabic Literature Review, No. 5, pp. 26-7.
- Hur Amili; Amili, Ebrahim. (1999), Tafsir Aamili, 2nd edition, Vol.1, Tehran: Islam Press.
- Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein (1984), Tafsir Ithna Aashari, 1st edition, Tehran: Miqat Press.
- Khatib, Abdul Karim (1964), The Miracle of the Qur'an, a revealing study of the characteristics and standards of Arabic rhetoric, Egypt: Dar Al-Kitab Al-Arabi, 1st edition.
- Khush Manesh, Abu al-Fadl. (2020). The rhythm of the Qur'an, Tehran: Institution for writing, translating and publishing art works of "Matn".
- Ragheb Esfahani. (1423 A.H.). Vocabulary of the Noble Qur'an, 1st edition, Tehran: Du Al-Qurba Press.
- Zareifar, Ibrahim. (2007). Music in social poetry according to Hafez Ibrahim. Iranian Scientific Society for Arabic Language and Literature, pp. 23-39.
- Zandi, Bahman. (1992). An introduction to the phonetics of the Arabic language and Tajweed of the Qur'an, Mashhad: Islamic gardens of Astan Quds Razavi.
- Sotoudehnia, Mohammad Reza. (1999). A comparative study between Tajweed and phonetics, Tehran: Rayzan Press.
- Saran, Mahmoud. (No date). Linguistics: An Introduction to the Arab Reader. Lebanon: Arab Renaissance House.
- Salloum, Tamer. (1996). "Poetic audio shift", Afaq al-seqafat va al-taras magazine; Tishreen University - Lattakia, Vol.13, pp. 35-52.
- Sayyid ibn Qutb ibn Ibrahim Shazli. (1993). Basis of worldwild peace, translated by Seyyed-hadi Khosrowshahi and Zayn al-Abidin Qurbani, vol. 3, Tehran: Farhang-e-Islami Publishing House.
- Shah Abdul-Azimi, Hussein. (1984). Tafsir Ithna Aashari. Vol. 14, Tehran: Miqat.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. (2005). Poetry music, 8th edition, Tehran: Agah Press.
- Sheikh Sadouq, Ibn Babouyeh. (1993). Oyun Akhbar al-Reza, translator: Ali Akbar Ghafari & Hamidreza Mustafid, 1st edition, Vol. 2, Tehran: Haq Press.
- Taheri Khorramabadi, Seyyed Hassan. (1984). "Essay on Divine Aid", Pasdar Islam Monthly (March 1984), No. 39 (p. 36), Qom: Affiliated with the Propaganda Office of Qom Seminary.

- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1983). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Vol. 9, p 22, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers.
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hassan. (1984). *Majma al-Bayan*, translator: Haj Sheikh Ali Kazemi, 1st edition, Vol. 23, Tehran: Farahani Publications Institute.
- Tayeb, Abdul Hossein. (1995). *Atib al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*, Vol. 6, Tehran: Islam.
- Amili, Ibrahim (1980-1981), *Tafsir Sharif Amili*, written by: Ali Akbar Ghafari, Tehran: Sa-douq Book Store.
- Abbas, Hassan. (1998). *Characteristics of Arabic letters and meanings*. Damascus: Etihad Al-Kitab Al-Arab Press.
- Akashah, Mahmoud. (2011). *Linguistic analysis in light of semantics*, Cairo: Universities Publishing House. Tehran: Islamic Book House.
- Alwan Salman, Muhammad. (2008). *Rhythm in Modernist Poetry*, Alexandria Al-Amriya: No name.
- Qaraeti, Mohsen. (1383). *Tafsir Noor*, 11th edition, (Vol. 1 & 3), Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1999). *Qamoos al-Qur'an al-Karim*, 8th edition, Vol. 3, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyah.
- Qavimi, Mahvash. (2004). *Voice and induction*, Tehran: Rams.
- Kovaz, Mohammad Karim. (2007). *The Stylistics of the Rhetorical Miracles of the Qur'an*, translated by Seyyed Hossein Seyyedi, Tehran: Sokhan Press.
- Mahmoud Abdol Samie, Ahmed. (1424). *Renewal in Perfection and Tajweed*, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.
- Modaresi, Fatemeh. (2018). *From phoneme to sentence*, 2nd edition, Tehran: Chapar.
- Moin, Mohammad. (1992). *Farhang Moin*, 1st edition, Vol. 1, Tehran: Amirkabir Press.
- Makarem Shirazi, Naser et al. (2000). *Tafsir al-Nemounch*. (Vol. 2, 7, 22), Tehran: Darul Kitab al-Islamiyah.
- Momennejad, Abolhasan; Sazjini, Morteza; Mousavi, Seyed Mohammad. (2017). *Stylistics of Surah Nazeat*, Scientific-Research Quarterly of Literary-Qur'anic Researches", 5th year, winter 2017, (pp. 26-47), No. 4.
- Nehle, Mahmoud Ahmed. (1981). *The language of the Holy Qur'an in part 30* Beirut: Dar Al Nahda Al Arabiya.
- Nirbani, Abdul Badi. (1427). *Phonological aspects in the books of protest for readings*, Damas-cus: Dar Al-Ghouthani.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی